

Challenges of New Pronatalist Population Policies and Programs in Iran: A Qualitative Study in the City of Isfahan

Farideh Shams-Ghahfarokhi¹, Abbas Askari-Nodoushan^{2*}, Hasan Eini-Zinab³,
Ali Ruhani⁴, Mohammad Jalal Abbasi-Shavazi⁵

Abstract

Following the rapid fertility decline in Iran, a turnaround toward pro-natalist population policies were accepted by the government in 2010s. Subsequently, for the realization of these policies, the law of "Rejuvenation of the Population and Support of the Family" was announced in November 2021. In the first steps of implementation of this law, it is now an appropriate time for population studies to investigate the ways that people and audiences evaluate challenges that implementation of this law faces as well as its strengths and weaknesses. Monitoring population policies and programs can assess their prospective success and prove useful in revising and correcting programs and designing more accurate and effective interventions. Based on the Grounded Theory approach, this paper collected data from a field study in Isfahan city using in-depth interviews with 30 men and women. After open, axial and selective coding, fifteen main categories were extracted from the data and the core category of "*inadequate incentive to motivate reluctant people*" was identified. The results show that childbearing as a private issue, insufficient and worthless incentives, ambiguity in policy-making from approval to implementation and temporary and periodical policies has led to institutional and non-institutional distrust. These factors have made it difficult and complicated to align the will of people with policies. The success of pro-natalist policies depends on the mutual trust between people and the government.

Keywords: Population policies, Below-replacement level fertility, Grounded Theory, Childbearing, Law of "Rejuvenation of the Population and Support of the Family"

Received: 2022-06-27

Accepted: 2022-09-20

1 Ph.D. Candidate in Demography, Department of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran; farideh.shams@stu.yazd.ac.ir

2 Associate Professor, Department of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran (Corresponding Author); aaskarin@yazd.ac.ir

3 Associate Professor, Department of Community Nutrition, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran; hassan.eini@sbmu.ac.ir

4 Associate Professor, Department of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran; aliruhani@yazd.ac.ir

5 Professor, Department of Demography, University of Tehran, Tehran, Iran; mabbasi@ut.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.22034/jpai.2022.559285.1242>

چالش‌های اجرای سیاست‌های تشویقی فرزندآوری: مطالعه‌ای کیفی در شهر اصفهان

فریده شمس قهفرخی^۱، عباس عسکری ندوشن^{۲*}، حسن عینی‌زیناب^۳، علی روحانی^۴، محمدجلال عباسی شوازی^۵

چکیده

به دنبال کاهش سریع باروری در ایران، چرخش به سوی سیاست‌های مشوق فرزندآوری، در دهه ۱۳۹۰ مورد توجه قرار گرفت و در آبان‌ماه ۱۴۰۰ "قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت" ابلاغ گردید. اکنون، در گام‌های نخست اجرای این قانون، زمان مناسبی است که مطالعات جمعیتی نحوه ارزیابی مردم و مخاطبین را نسبت به چالش‌های اجرایی این قانون و نقاط قوت و ضعف آن واکاوی نمایند. پایش سیاست‌ها و برنامه‌های جمعیتی می‌تواند علاوه بر تشخیص چشم‌انداز موفقیت آن‌ها، در جهت تجدیدنظر و اصلاح برنامه‌ها و طراحی اقدامات مداخله‌ای دقیق‌تر و اثرگذارتر مفید واقع شود. مقاله حاضر، بر مبنای رویکرد نظریه زمینه‌ای، داده‌هایی را از یک مطالعه میدانی در شهر اصفهان و مصاحبه عمیق با ۳۰ زن و مرد مشارکت‌کننده گردآوری نمود. پس از کدگذاری باز، محوری و گزینشی، پانزده مقوله اصلی از داده‌ها استخراج و مقوله هسته "نارسایی مشوق‌ها در ایجاد انگیزه فرزندآوری" در میان افراد غیرمتماثل به فرزندآوری مشخص شد. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که فرزندآوری به مثابه‌ی امر خصوصی، مشوق‌های ناکافی و بی‌ارزش، ابهام در سیاست‌گذاری از تصویب تا اجرا، سیاست‌های موقتی و مقطعی، منجر به بی‌اعتمادی نهادی و غیرنهادی شده است. این‌گونه عوامل، همسوسازی خواست افراد با سیاست‌ها را دشوار و پیچیده نموده است. موفقیت سیاست‌های حامی فرزندآوری در گرو اعتماد متقابل مردم و دولت است.

واژگان کلیدی: سیاست‌های جمعیتی، باروری زیرسطح جانشینی، نظریه زمینه‌ای، فرزندآوری، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۶

۱ دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران؛

farideh.shams@stu.yazd.ac.ir

۲ دانشیار جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)؛ aaskarin@yazd.ac.ir

۳ دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران؛

hassan.eini@sbmu.ac.ir

۴ دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، یزد، ایران؛ aliruhani@yazd.ac.ir

۵ استاد جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ mabbasi@ut.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.22034/jpai.2022.559285.1242>

مقدمه و بیان مسئله

سیاست‌های جمعیتی می‌تواند به عنوان اقداماتی تلقی شود که صریح یا ضمنی توسط حکمرانان برای پیش‌بینی، تأخیر یا مدیریت عدم تعادل بین تغییرات جمعیتی از یک سو و اهداف اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و سیاسی از طرف دیگر، انجام شود. این سیاست‌ها با استفاده از «اهرم‌های سیاسی» تغییرات مورد نظر را بدست می‌آورند (May, 2012). پل دمنی^۱ (۲۰۰۳)، سیاست‌های جمعیتی را ترتیبات نهادی ساخته‌شده یا بازسازی‌شده و یا برنامه‌های مشخصی می‌داند که به‌وسیله آن دولت‌ها به‌صورت آگاهانه، مستقیم یا غیرمستقیم بر دگرگونی‌های جمعیتی تأثیر می‌گذارند. قبل از گذار جمعیتی، جمعیت‌ها بدون هیچ سیاستی به‌عنوان محرک، تغییر می‌کردند (Demeny, 2011).

در ایران، تا قبل از سال ۱۳۴۵ هیچ سیاست جمعیتی مدونی در کشور وجود نداشته است. از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ سیاست‌هایی که اغلب بر برنامه‌های تنظیم خانواده تأکید داشتند، مورد اجرا قرار گرفت، اما با وقوع انقلاب اسلامی تمام سیاست‌های کنترل مولید پیشین متوقف شدند (Mirzaie 2005; Abbasi-Shavazi et al. 2007). از طرف دیگر، ارائه‌ی برنامه‌هایی مانند دادن کوپن مواد غذایی براساس سهمیه تعداد اعضای خانوار، اعطاء زمین و سیاست‌گذاری‌های مذهبی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جدید، خود عملاً تبدیل به مشوق‌های غیرمستقیمی برای فرزندآوری بیشتر شد (امیراحمدی و نیک‌پور ۱۳۶۹: ۴۹). این سیاست‌ها تا اواسط دهه ۱۳۶۰ برقرار بود.

سیاست‌های جمعیتی و برخی از برنامه‌ها و استراتژی‌ها به تدریج در جهت پذیرش سیاست‌های کنترل مولید از نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ تغییر یافت. حمایت مقامات عالی‌رتبه نظام و علمای مذهبی و صدور فتوایی که دلالت بر عدم تعارض استفاده از وسایل جلوگیری از بارداری با اصول و موازین اسلامی داشت، به تسهیل پذیرش عمومی سیاست‌های جدید کمک نمود. همچنین تلاش‌هایی برای صحبت در مورد مسائل مرتبط با رشد سریع جمعیت و اطلاع‌رسانی به مردم از طریق رسانه‌های جمعی و نیز برگزاری کنفرانس جمعیت توسعه در مشهد توسط سازمان برنامه و بودجه کشور در سال ۱۳۶۷، صورت گرفت. این

¹Paul Demeny

تلاش‌ها زمینه را برای شروع اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده در کشور هموار کرد. به نحوی که میزان باروری کل بعد از این تلاش‌ها شروع به کاهش کرد و در نتیجه، کاهش رشد جمعیت از ۳.۹ درصد در ۱۳۶۵ به ۲ درصد در سال ۱۳۷۵ اتفاق افتاد (Roudi- Fahimi, 2002; Ladier-Fouladi, 2021). با این وجود می‌توان بر این نکته اذعان داشت که، تحت تأثیر فشار اقتصادی ناشی از افزایش بی‌سابقه‌ی جمعیت در دهه‌ی ۱۳۶۰ بر خانواده‌ها، عملاً کاهش باروری در ایران حتی پیش از اعمال برنامه‌های تنظیم خانواده اتفاق افتاده بود (عباسی‌شوازی و حسینی‌چاوشی، ۱۳۹۱). بنابراین یکی از دلایل موفقیت سیاست‌های کاهش جمعیت در آن دوران را می‌توان همسویی گفتمان سیاسی موجود و خواست مردم دانست.

در ایران، روند تحولات باروری حاکی از این است که میزان باروری کل از حدود ۷/۷ فرزند برای هر زن در سال ۱۳۴۵ (Aghajaniyan & Mehryar, 1999)، در سال ۱۳۸۵ به زیر سطح جانشینی یعنی به حدود ۱/۹ فرزند برای هر زن رسیده است (Abbasi-Shavazi, McDonald, & Hosseini-Chavoshi, 2009). برآوردهای اخیر مؤید آن است که شاخص باروری کل، از ۱/۸ فرزند برای هر زن در سال آغازین دهه ۱۳۹۰ به حدود ۲ فرزند در میانه این دهه افزایش و مجدداً به ۱/۷ فرزند در انتهای دهه تنزل یافت (عباسی‌شوازی و همکاران ۱۳۹۹؛ مرکز آمار ایران ۱۴۰۰؛ فتحی ۱۳۹۹). بنابراین، به‌ویژه در دهه گذشته و به دنبال تغییرات در رفتار فرزندآوری و کاهش نرخ باروری در ایران، بحث‌هایی در باب لزوم تغییر سیاست‌های گذشته و اعمال سیاست‌های جدید برای مقابله با میزان‌های باروری پایین مطرح شده است (کاظمی‌پور و سلطانی‌چم‌حیدری، ۱۳۹۱).

با این حال توجه به این نکته ضروری است که تغییر و تحولات جمعیتی تنها در سطح خُرد و به‌واسطه افراد و خانواده‌ها می‌تواند اتفاق بیافتد و در این میان تصمیم‌گیری‌های کلان دولت‌ها برای تغییرات جمعیتی تنها به‌واسطه دگرگونی در شرایط محیط اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی است که می‌تواند بر تصمیمات افراد و خانوارها تأثیر بگذارد. دولت‌ها با وضع قوانین و مقررات، ارائه تسهیلات و هم‌چنین سیستم‌های مالیاتی می‌توانند در محیط اجتماعی و اقتصادی واحدهای خُرد اجتماعی تغییراتی را ایجاد کنند و به شیوه مستقیم و یا غیرمستقیم تصمیم‌گیری‌های جمعیتی افراد و خانواده‌ها

را تحت تأثیر قرار دهند. سیاست‌های جمعیتی و یا فقدان چنین سیاست‌هایی، نقشی کلیدی در رفتار افراد و شکل دادن به روندهای جمعیتی دارند (May, 2012).

قصد باروری یکی از تعیین‌کننده‌های بلافصل کلیدی در رفتار باروری افراد است (Schoen et al., 1997, 1999; Quesnel-Vallee & Morgan, 2003; Morgan & Hagewen 2005). مطالعات در ایران نشان داده‌اند که هرچند الگوهای تک‌فرزندی و دو فرزندگی در بین برخی از خانواده‌ها وجود دارد (خلج‌آبادی فراهانی و سرایی ۱۳۹۱؛ فروتن و کرمی ۱۳۹۵؛ خلج‌آبادی فراهانی و کیانی علی‌آبادی ۱۳۹۷؛ آقایی‌هیبر و همکاران ۱۳۹۵؛ Razeghi-Nasrabad & Alimondegari 2019) اما در ایران، متوسط باروری قصد شده، بالاتر از میانگین فرزندان موجود است. در نتیجه، شکافی میان تعداد فرزندان ایده‌آل و تعداد فرزندان موجود زوجین وجود دارد (مدیری و همکاران ۱۴۰۰؛ Razeghi-Nasrabad & Alimondegari 2019; Razeghi-Nasrabad & Abbasi-Shavazi 2020). از این‌رو، سیاست‌های مشوق فرزندآوری باید معطوف به رفع موانع تحقق ایده‌آل‌های فرزندآوری شود. فروتن و بیژنی (۱۳۹۸) نشان دادند که تک‌فرزندگی نه به‌عنوان یک الگوی مورد انتظار و خواسته ذهنی افراد و خانواده‌ها، بلکه عمدتاً متأثر از شرایط اقتصادی-اجتماعی است. به همین جهت، سیاست‌گذاری‌های کلان در زمینه برطرف کردن دغدغه‌ها و دشواری‌های فرزندآوری به‌ویژه در عرصه فرصت‌های شغلی و اقتصادی برای محقق کردن پتانسیل‌های امیدوارکننده حدجایگزینی باروری در بین افراد و خانواده‌ها ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

مطالعاتی در سایر نقاط جهان نیز در خصوص ارزیابی تأثیر سیاست‌های تشویقی باروری انجام شده است. پریتچت (۱۹۹۴) تأثیر برنامه‌های تنظیم‌خانواده را در مقایسه با تغییر در ترجیحات تعداد فرزندان مطلوب در کاهش باروری در کشورهای در حال توسعه بررسی نمودند. نتایج این مطالعه نشان داد که در نهایت، این تقاضا برای کودکان است که باروری واقعی را تعیین می‌کند و تأثیر برنامه‌های تنظیم‌خانواده، بر باروری به لحاظ کمی، اندک است. مک‌دونالد (۲۰۰۰) استدلال می‌کند که بسته‌ای از مزایای مالیاتی، مزایای نقدی و خدماتی ممکن است توسط دولت طراحی شود تا هزینه‌های تربیت فرزندان را برای والدین کاهش دهد. این بسته‌ها با استفاده از ابزارهای مختلفی (مانند ایجاد آشتی بین کار و زندگی خانوادگی، کاهش خطر طلاق، کاهش بیکاری، و یا تضمین برابری جنسیتی)

می‌توانند تأثیر احتمالی بر ایجاد انگیزه‌های مالی برای داشتن فرزندان بیشتر ایجاد نمایند. سخاوتمندی بسته کمک‌هزینه کودک هرچند که مطمئناً تنها عاملی نیست که می‌تواند بر باروری تأثیر بگذارد، اما یک عامل مهم است.

لوسی گرتولیچ و تونتون^۱ (۲۰۱۳) دریافتند که سخاوت سیاست‌های حمایت از خانواده- نظیر مرخصی والدین با حقوق، و خدمات مراقبت از کودک- ارتباط مثبتی با باروری در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) دارد. اگرچه هر یک از این سیاست‌های خانواده، تأثیر مثبتی بر باروری دارند، اما مزایای نقدی دوران کودکی و ارائه خدمات مراقبت از کودک تأثیر به مراتب بیشتری نسبت به حقوق مرخصی والدین و مزایای زایمان دارند. بر مبنای تحلیل داده‌های ۱۸ کشور در دوره ۱۹۹۵-۲۰۱۶، احمد و فیلدینگ^۲ (۲۰۱۹) دریافتند که پرداخت سخاوتمندانه‌تر حقوق در زمان مرخصی زایمان با نرخ باروری بالاتر در سطح کشور مرتبط است، اما تأثیر طول مدت زمان مرخصی بر باروری در این مطالعه مشاهده نشد.

اخیراً قانون "حمایت از خانواده و جوانی جمعیت" تصویب و ابلاغ شده است. با توجه به این‌که ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های جمعیتی می‌تواند علاوه بر تشخیص چشم‌انداز موفقیت آنها، برای تجدیدنظر و اصلاح برنامه‌ها و طراحی برنامه‌های دقیق و اثرگذارتر مفید واقع شود، در این مقاله برآنیم تا ببینیم فهم شهروندان از سیاست‌های اخیر تشویقی جمعیتی چیست؟ آن‌ها این سیاست‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنند و استراتژی‌های آن‌ها در پاسخ به این سیاست‌ها چیست؟ فرآیند شکل‌گیری رفتار باروری افراد و زوج‌ها در پاسخ به سیاست‌ها چگونه است؟ پاسخ به این سوال اصلی پژوهش که از جنس سوالات فرآیندی است با روش نظریه زمینه‌ای ممکن می‌شود.

برپایه منابع داده‌ای موجود، میزان باروری کل استان اصفهان در سال ۱۳۹۹ بین ۱/۳ تا ۱/۵ گزارش شده است (مرکز آمار ایران ۱۴۰۰). اصفهان پنجمین استان در بین استان‌ها کشور به لحاظ میزان باروری کل پایین است، و انتظار می‌رود که شهر اصفهان به‌عنوان

1 Luci-Greulich and Thévenon

2 Ahmed & Fielding

مرکز استان باروری پایین‌تری را داشته باشد. از اینرو، شهر اصفهان به‌عنوان بستر پژوهش حاضر انتخاب شده است.

چارچوب مفهومی پژوهش

در تحقیقات کیفی، از چارچوب نظری به شیوه رایج در تحقیقات کمی استفاده نمی‌شود؛ اما بنیان‌گذاران راهبرد نظریه داده‌بنیاد از جمله اشتراوس و گربین^۱ با طرح مفهوم حساسیت نظری معتقدند نظریه‌هایی که در ذهن داریم به شیوه‌های مختلفی بر تحقیق ما اثر می‌گذارد و برای تحلیل داده‌ها نیاز به استفاده از دانش انباشته داریم. بنابراین نباید آن را به‌طور کلی کنار گذاشت. دانش انباشته شده در زمینه موضوع مورد بررسی می‌تواند به عنوان ابزار تحلیلی به‌کار رود و منابع غنی برای تحریک تفکر پیرامون خصیصه‌ها و طرح سوالات مفهومی باشد (افراسیابی و مداحی، ۱۳۹۵: ۱۸۶). این مطالعه از رویکرد پارادایمی تفسیری و روش کیفی بهره می‌برد و لذا بررسی نظریه‌های مرتبط با موضوع نه با هدف نظریه‌آزمایی بلکه با هدف ارتقاء حساسیت نظری تحقیق انجام می‌گیرد. همچنین برخی از مؤلفه‌های نظریه‌ها و مطالعات پیشین، راهنمای ما در مصاحبه‌های عمیق این مطالعه بوده‌اند.

مک‌دونالد^۲ (۲۰۰۰) چهار دیدگاه نظری را برای توضیح کاهش باروری شناسایی کرد: نظریه ارزش‌های فرامادی‌گرایی، نظریه برابری جنسیتی، نظریه انتخاب عقلانی، و نظریه ریسک‌گریزی (Bradshaw et al, 2006).

نظریه ارزش‌های فرامادی‌گرایی، با نظریه گذار دوم جمعیتی مرتبط است (Lesthaeghe and Moors 1996; van de Kaa 1997) این نظریه تصریح می‌کند که تغییرات در رفتار اجتماعی و جمعیتی ناشی از رشد خودآگاهی فردی، ارضای ترجیحات شخصی، لیبرالیسم و آزادی از نیروهای سنتی اقتدار است. براساس نظریه ارزش‌های فرامادی‌گرایی، در هر جامعه‌ای به‌طور متوسط زنانی که تحصیل کرده‌ترند، کمتر مذهبی هستند و بیشتر شهری و نگرش‌های کم‌وبیش آزادی‌طلبانه‌تری دارند، باروری پایین‌تری

1 Strauss and Carbine

2 McDonald

نسبت به زنان کمتر تحصیل کرده، مذهبی‌تر، روستایی‌تر و محافظه‌کارتر دارند. البته درخصوص نقش نهادهای اجتماعی در باروری پایین لازم به توضیح است که این نهادها فرصت‌ها، محدودیت‌ها، ریسک‌ها و تقاضاهایی را ایجاد می‌کنند که بر تصمیم‌گیری‌های باروری تأثیر می‌گذارند. اینجاست که تبیین تغییرات باروری در زمینه‌های اجتماعی مختلف ویژگی‌های منحصر به فردی به خود می‌گیرد، زیرا این نهادها به‌طور گسترده در جوامع مختلف متفاوت هستند.

از منظر نظریه‌ی برابری جنسیتی، در زمینه‌ای که برابری جنسیتی در نهادهای خانواده‌محور پایین است، برابری جنسیتی بالا در نهادهای فردمحور، منتهی به باروری بسیار پایین می‌شود (McDonald, 2000). مک‌دونالد معتقد است اگر فرصت‌هایی نزدیک یا معادل مردان در آموزش و بازار کار برای زنان فراهم شود، اما این فرصت‌ها با بچه‌دار شدن به شدت محدود شود، زنان تعداد فرزندان خود را محدود کرده و در نتیجه باروری کاهش می‌یابد. به‌علاوه، از آنجایی که زنان هنوز مقدار نامتناسبی از کارهای خانه و مراقبت از کودکان را انجام می‌دهند، کار تمام وقت به ناچار منجر به "بار مضاعف" می‌شود (Bradshaw et al, 2005). مک‌دونالد (۲۰۰۰) در نظریه‌ی خود بیان می‌کند که باروری تنها در صورتی افزایش می‌یابد که برابری جنسیتی در مؤسسات خانواده‌محور به سطوح بالایی برسد، برابری کامل جنسیتی تنها در صورتی حاصل می‌شود که جنسیت تعیین‌کننده نباشد که کدام یک از اعضای یک زوج سه شکل کار خانوادگی را انجام می‌دهند: کار درآمدزا، کار مراقبتی و کار خانگی. به عبارت دیگر، هم زن و هم مرد باید از حق فردی برای انتخاب یک نقش بر دیگری یا ترکیب نقش‌ها برخوردار باشند.

نظریه‌ی انتخاب عقلانی و نظریه ریسک‌گریزی، تأکید تبیینی برای باروری پایین که بر اشتغال زنان متمرکز است را به یک نظریه کلی‌تر با تمرکز بر هزینه‌های فرزندان تغییر می‌دهد. تئوری انتخاب عقلانی بیان می‌کند که در تصمیم‌گیری برای داشتن فرزند، افراد محاسبه می‌کنند که آیا سود یک فرزند اضافی بیشتر از هزینه‌ها است؟ اگر هزینه اقتصادی کودکان افزایش یابد، برخی از آستانه‌های روانی فردی رد می‌شود و تصمیم به عدم داشتن فرزند (دیگر) گرفته می‌شود. با افزایش سن، مزایای روانشناختی با اضافه شدن هر کودک کاهش می‌یابد. در جامعه‌ای که فواید روانی فرزندآوری کم یا هزینه‌های اقتصادی

فرزندآوری زیاد است، باروری نیز پایین، بی‌فرزندگی زیاد و افراد کمتر صاحب فرزند خواهند شد. نظریه ریسک‌گریزی بسط این فرض است که در داشتن فرزند، افراد تصمیم می‌گیرند مسیر زندگی آینده خود را تغییر دهند و تصمیم آن‌ها به جهت‌گیری آینده آن‌ها و در نتیجه هزینه و منافع آینده بستگی دارد. اگر مردم تصور کنند که آینده اقتصادی، اجتماعی یا شخصی آن‌ها در خطر است، ممکن است برای جلوگیری از این خطر تصمیم بگیرند که بچه‌دار نشوند. در نتیجه، مردم در امنیت اقتصادی (آموزش، وابستگی به نیروی کار، ساعات طولانی کار، پس‌انداز) سرمایه‌گذاری می‌کنند تا در ناامنی فرزندآوری. این دیدگاه نظری حاکی از آن است که جامعه‌ای که هزینه‌های کودکان را جبران نمی‌کند، ناگزیر فرزندان کمتری خواهد داشت (McDonald, 2000).

در مجموع با توجه به نظریات بالا کاهش نرخ باروری، می‌تواند پاسخی عملی به فقدان حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی باشد. فرزندآوری زمانی اتفاق می‌افتد که از نظر اقتصادی منطقی یا به لحاظ ساختاری امکان‌پذیر باشد. براساس نظریه‌ی انتخاب عقلانی و نظریه ریسک‌گریزی اگر می‌خواهیم تأثیر مثبتی بر تصمیم‌گیری در مورد باروری داشته باشیم، باید آن‌طور که مک‌دونالد (۲۰۰۱) بیان می‌کند آستانه مزایای روانی فرزندآوری بالا برده شود یا هزینه‌های اقتصادی کودکان (از طریق بازار یا دولت رفاه) کاهش یابد. بر طبق نظریه‌ی برابری جنسیتی با کاهش هزینه‌های کودکان مزایای مشارکت مادران در بازار کار کاهش می‌یابد. در هر حال، اقدامات سیاستی برای افزایش فرزندآوری زمان‌بر و ماهیتاً گران هستند. مرور چارچوب مفهومی و پیشینه پژوهشی، به شکل‌گیری حساسیت نظری این پژوهش یاری رساند. به‌گونه‌ای که نظریه‌های ریسک‌گریزی، برابری جنسیتی، فرامادی‌گرایی و انتخاب عقلانی هر یک به‌نوعی محققان را در ورود به میدان پژوهش یاری رساند. در این مسیر محققان سعی کردند در طراحی پروتکل مصاحبه، بر مفاهیمی همچون فرآیند شکل‌گیری رفتار باروری افراد در پاسخ به سیاست‌های تشویقی فرزندآوری، تمرکز بیشتری داشته باشند زیرا براساس هرکدام از این نظریه‌ها محققان باید از ریسک‌پذیری افراد، ارزیابی‌های عقلانی و شناختی آنان، بنیان‌های ارزشی و نگرشی آنان و ... سؤال می‌پرسیدند. بدین طریق حساسیت نظری محققان مشخص گردید و محققین وارد میدان پژوهش شدند.

روش و داده‌های تحقیق

روش‌شناسی مورد استفاده در این مطالعه، از نوع کیفی استقرایی است. و با روش نظریه‌ی زمینه‌ای انجام شده است. منظور از نظریه‌ی زمینه‌ای، نظریه‌ی برگرفته از داده‌هایی است که در طی فرآیند پژوهش به صورت نظام‌مند، گردآوری و تحلیل می‌شوند. در این راهبرد، گردآوری، و تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که نهایتاً از داده‌ها استنتاج می‌شود، در ارتباط نزدیک با یکدیگر هستند (جهانگیری و همکاران ۱۳۹۳). نظریه زمینه‌ای، تحقیق کیفی را قابل انعطاف کرده و تعامل میان نظریه و داده را فراهم می‌کند (نیومن، ۱۳۹۰: ۵۴). در این مسیر از استراتژی نمونه‌گیری تدریجی که عموماً مبتنی بر «نمونه‌گیری نظری» بوده است و همچنین استراتژی نمونه‌گیری گلوله‌برفی، نمونه‌گیری با حداکثر تنوع و نمونه‌گیری از موارد همگون کمک گرفته شده است. نمونه‌گیری نظری که توسط اشتراوس و گلنزر (۱۹۶۷) ابداع شده است، به فرایند همزمان گردآوری داده‌های موردنیاز برای نظریه‌پردازی و تحلیل آن‌ها اشاره دارد؛ بدین صورت که محقق در این فرایند تصمیم می‌گیرد که در مرحله بعد چه داده‌هایی را و از چه کسانی جمع‌آوری کند و در واقع، نظریه در حال تدوین است که فرایند گردآوری داده‌ها را هدایت و کنترل می‌کند (فلیک، ۱۳۹۴: ۱۳۸). جهت گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه عمیق بهره‌برده شد که مهم‌ترین فن گردآوری داده‌های زمینه‌ای محسوب می‌شود (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۲۲-۳۲۳). بنابراین در این مطالعه، به صورت هدفمند، مشارکت‌کنندگانی انتخاب شدند، سعی شد افراد با موقعیت اقتصادی اجتماعی و سطح تحصیلات مختلف و از مناطق متنوع شهر به لحاظ سطح برخورداری و همچنین با دیدگاه‌های مختلف به لحاظ مذهبی و اجتماعی انتخاب شوند به این منظور همان‌طور که بیان شد از نمونه‌گیری نظری و استراتژی نمونه‌گیری گلوله‌برفی بهره‌برده شد. تعداد این مشارکت‌کنندگان تا جایی اضافه شد که اشباع نظری اتفاق افتاد و داده‌ی جدیدی به داده‌ها اضافه نشد. در این مطالعه با ۳۰ مشارکت‌کننده (از هر دو جنس، مجرد و متأهل) اشباع داده‌ها حاصل شد. مصاحبه توسط مصاحبه‌گر آموزش دیده و با نظارت گروه پژوهش انجام شد. در این فرآیند، داده‌ها بعد از جمع‌آوری به متن تبدیل شده و فرایند تجزیه و تحلیل براساس روش اشتراوس و گربین صورت گرفت. و در سه سطح کدگذاری باز، کدگذاری محوری و گزینشی، کدگذاری انجام شد.

جهت دستیابی به اعتبارپذیری، از ملاک لینکن و گوبا^۱ (۱۹۸۵) استفاده شده است، در این مسیر چهار معیار اعتبارپذیری^۲، انتقال‌پذیری^۳، قابلیت اطمینان^۴ و تاییدپذیری^۵ در تضمین صحت و قابلیت اعتماد پژوهش کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد با شروع فرایند گردآوری داده‌ها، پژوهشگر با مشارکت طولانی، مشاهده و ارتباط مستمر با میدان تحقیق و مشارکت‌کنندگان پژوهش سعی کرد تا معیار اعتبارپذیری داده‌ها و یافته‌ها را هر چه بیشتر تقویت نماید همچنین از تکنیک کنترل توسط اعضاء استفاده شد بدین صورت که بعد از تحلیل یافته‌ها، مفاهیم و مقوله‌ها برای تعدادی از مشارکت‌کنندگان ارسال و از آنها خواسته شد تا به ارزیابی یافته‌ها پرداخته و نظر خود را در مورد صحت آنها بیان کنند. همچنین از کنترل توسط هم‌تایان علمی و خبره در مورد موضوع بهره برده شد.

با توجه به اینکه پژوهش کیفی براساس تعاملات انسانی پایه‌ریزی شده، ملاحظات اخلاقی در پژوهش‌های کیفی نسبت به پژوهش کمی از حساسیت بیشتری برخوردار است. در این پژوهش، موضوعات اخلاقی در سه بعد آزمودنی‌ها، پژوهشگر و تعهد اجتماعی رعایت شده و پژوهش حاضر براساس مصوبه کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه یزد، دارای شناسه اخلاق IR.YAZD.REC.1401.032 است. محقق با جلب رضایت و اعتماد مصاحبه‌شونده برای همکاری صادقانه و بیان اهداف و ماهیت پژوهش و تأکید بر محرمانه ماندن اطلاعات، کار را شروع کرد. افراد مورد مطالعه به صورت کاملاً داوطلبانه و با آگاهی کامل نسبت به فرآیند مصاحبه با شرکت در پژوهش موافقت کردند. استخراج مفاهیم حاصله از مصاحبه‌ها در چهارده مقوله خلاصه شده است و برای هر کدام نمونه‌ای از نظرات ارائه شده توسط افراد مورد مطالعه بازگو می‌شود.

1 Lincoln and Guba
2 Credibility
3 Transferability
4 Dependability
5 Confirmability

یافته‌ها

در این پژوهش با ۳۰ نفر مرد و زن مصاحبه‌ی عمیق انجام شد، مشارکت‌کنندگان مردان و زنان مجرد و یا متأهل در بازه‌ی سنی ۲۶ تا ۴۵ سال بودند. و سطح تحصیلات آنها از ابتدایی تا دکتری است. جدول (۱) مشخصات مربوط به پاسخگویان را نشان می‌دهد.

جدول ۱: مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

فراوانی (%)	ویژگی‌ها	
۱۴ (۴۶/۷)	مرد	
۱۶ (۵۳/۳)	زن	
۸ (۲۶/۷)	مجرد	
۱۰ (۳۳/۳)	بدون فرزند	متأهل
۱۱ (۳۶/۶۶)	دارای فرزند	
۱ (۳/۳)	بدون فرزند	مطلقه
۰	دارای فرزند	
۲ (۶/۷)	ابتدایی	
۵ (۱۶/۷)	دیپلم	
۲ (۶/۷)	کاردانی	
۱۴ (۴۶/۷)	کارشناسی	
۷ (۲۳/۳)	کارشناسی ارشد و بالاتر	
۱۲ (۴۰/۰)	شغل آزاد	
۲ (۶/۷)	دانشجو	
۵ (۱۶/۷)	خانه‌دار	
۱۱ (۳۶/۷)	کارمند (بخش خصوصی و دولتی)	

داده‌ها با استفاده از روش نظریه‌ی زمینه‌ای و با کمک نرم‌افزار MAXQDA2020 مورد تحلیل قرار گرفتند. کدگذاری متن مصاحبه‌ها در سه سطح کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی انجام و در آخر مقوله‌ی هسته کشف شد. در ابتدا تحلیل با کدگذاری باز آغاز شد و داده‌ها براساس طبقات عمده کدگذاری و مفهومی به آن اختصاص داده شد. بعد از آن از کدگذاری محوری انجام شد، در این مرحله طبقات حول یک پدیده‌ی محوری شکل گرفتند، طبقات شامل: شرایط علی، شرایط مداخله‌ای و زمینه‌ای، استراتژی و پیامد می‌شوند. سپس کدگذاری گزینشی است که طبقات مدل را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. در این مرحله چهارده مقوله‌ی اصلی ساخته شد که عبارتند از: مشوق‌های ناکافی و بی‌ارزش، ابهام در

سیاست‌گذاری از تصویب تا اجرا، سیاست‌های مقطعی و موقتی، بی‌اعتماد نهادی/ غیرنهادی به سیاست‌گذاری دولتی، فرزندآوری در سایه‌ی پیش‌بینی‌پذیری و رفاه اقتصادی، تمرکز سیاست‌گذاری بر اقشار کم‌برخوردار، نادیده‌انگاری شرایط جامعه، لزوم نامداخله‌گری دولت در امر خصوصی فرزندآوری، سیاست‌گذاری کمی‌گرای کیفیت‌گریز، تحول در سبک زندگی، شرایط ناپایدار اقتصادی، افزایش آگاهی افراد، فرزندآوری در سایه‌ی بهزیستی فردی/اجتماعی، سیاست‌گریزی.

جدول ۲: مقوله‌های فرعی و اصلی تشکیل دهنده مقوله هسته

"نارسایی مشوق‌ها در ایجاد انگیزه فرزندآوری"

مفاهیم	مقولات فرعی	مقولات اصلی	عوامل علی
ناکافی بودن مشوق‌ها (۱۸)	مشوق‌های ناکافی	مشوق‌های ناکافی و بی‌ارزش	عوامل علی
به‌صرفه نبودن مشوق‌های مالی (۱۰)			
خنثی‌سازی مشوق‌ها به واسطه تورم اقتصادی (۲۱)	مشوق‌های بی‌ارزش		
بی‌ارزش شدن مشوق‌ها (۱۸)			
ابهام در سیاست‌گذاری (۸)	ابهام در سیاست‌گذاری‌های تشویقی	ابهام در سیاست‌گذاری: از تصویب تا اجرا	عوامل علی
شرایط نامشخص بهره‌مندی از مشوق‌ها (۸)	ناهماهنگی بین نهادی در اجرا		
ناهماهنگی بین نهادی در اجرا (۷)	سیاست‌گذاری غیرمنطقی (۱۱)		
سیاست‌گذاری غیرمنطقی (۱۱)	منابع مالی محدود برای اجرای سیاست‌ها (۸)		
بی‌اثر بودن سیاست‌گذاری‌ها (۸)	بی‌اثر بودن سیاست‌گذاری‌ها		
سیاست‌های مقطعی (۱۱)	سیاست‌های مقطعی	سیاست‌های مقطعی و موقتی	عوامل علی
نبود ضمانت اجرایی با تغییرات سیاسی (۸)			
تمرکز سیاست‌گذاری بر اصلاح موقت (۱۹)	سیاست‌های موقت		
تمرکز بر مشوق‌های موقت / کوتاه مدت (۱۱)			
تصمیمات فی‌البداهه (۲۱)			

	مقولات اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم
پدیده	بی‌اعتمادی نهادهی/غیرنهادهی به سیاست‌گذاری دولتی	نااطمینانی به سیاست‌ها	بی‌اطمینانی به سیاست‌ها (۲۵)
			باور نداشتن به سیاست‌ها (۲۲)
			نااطمینانی به اجرایی شدن قوانین (۲۲)
			نااطمینانی به دولت (۱۸)
			از دست رفتن اعتماد (۲۵)
		سیاست‌های شعاری	مشوق‌های تو خالی (۹)
			بی‌نتیجه بودن طرح‌های پیشین (۶)
			وعده‌های تحقق‌نیافته (۸)
			سیاست‌های شعاری (۱۷)
			وعده‌های تو خالی (۹)
			مشوق‌ها به مثابه‌ی فریب (۱۱)
			فریب‌انگاری سیاست‌ها (۹)
			سیاست‌های محکوم به شکست (۸)
			لزوم ثبات اقتصادی (۲۸)
عوامل زمینه‌ای	شرایط ناپایدار اقتصادی	شرایط ناپایدار اقتصادی	فقدان امنیت شغلی و درآمدی (۲۰)
		نارضایتی اقتصادی	بی‌ثباتی اقتصادی (۲۸)
			نارضایتی اقتصادی (۲۵)
استراتژی	فرزندآوری در سایه پیش‌بینی‌پذیری و رفاه اقتصادی	آمیختگی فرزندآوری با اقتصاد (۲۲)	آمیختگی فرزندآوری با اقتصاد (۲۲)
		اثرگذاری سیاست‌ها در فضای فقدان دغدغه‌های مالی (۱۱)	اثرگذاری سیاست‌ها در فضای فقدان دغدغه‌های مالی (۱۱)
		رابطه مستقیم رفاه و فرزندآوری (۱۵)	رابطه مستقیم رفاه و فرزندآوری (۱۵)
		لزوم سیاست‌گذاری رفاهی (۹)	لزوم سیاست‌گذاری رفاهی (۹)
		لزوم ارائه کمک هزینه فرزند (۸)	لزوم ارائه کمک هزینه فرزند (۸)
		فرزندآوری در سایه بازسازی اقتصادی (۱۸)	فرزندآوری در سایه بازسازی اقتصادی (۱۸)
		فرزندآوری در سایه توانمندسازی افراد (۷)	فرزندآوری در سایه توانمندسازی افراد (۷)
		امکان برنامه‌ریزی برای آینده (۱۰)	امکان برنامه‌ریزی برای آینده (۱۰)
کنترل شرایط اقتصادی (۸)	کنترل شرایط اقتصادی (۸)		
مداخله‌گر	تمرکز سیاست‌گذاری بر اقتشار کمتر برخوردار	تمرکز سیاست‌گذاری بر اقتشار کمتر برخوردار	اثرگذاری مشوق‌های فرزندآوری در طبقات محروم (۸)
			سیاست‌گذاری برای طبقات محروم (۱۱)
			تمرکز اشتباه سیاست‌گذاران (۷)
			سیاست‌های ضد تشویقی (۱۳)
		مشوق‌های صرفاً اقتصادی (۸)	مشوق‌های صرفاً اقتصادی (۸)
			بازنمایی فرزندآوری به مثابه امری مادی (۸)

	مقولات اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم
مداخله‌گر	نادیده‌انگاری شرایط جامعه	نادیده‌انگاری شرایط جامعه	نادیده‌انگاری شرایط جامعه (۱۵)
			شرایط نابسامان جامعه (۱۷)
عوامل علی	فرزندآوری به مثابه امر خصوصی	لزوم عدم مداخله دولتی	اثرگذاری اندک دولت (۹) بی‌نیازی از سیاست‌های تشویقی (۶) لزوم عدم مداخله دولتی (۸)
		فرزندآوری به مثابه امری خصوصی	فرزندآوری به مثابه امری خصوصی (۱۱)
		عدم برخورد قهری با فرزندآوری	عدم برخورد قهری با فرزندآوری (۱۲) فرزندآوری دستوری نیست (۱۸)
عوامل علی	سیاست‌گذاری کمی‌گرای کیفیت‌گریز	فقدان رفاه آموزشی	فقدان رفاه آموزشی (۲۰)
		سیاست‌های کمی‌محور	لزوم رشد کیفی جمعیت در کنار رشد کمی (۲۲) تمرکز صرف بر افزایش کمی جمعیت (۲۵)
		بی‌توجهی به کیفیت فرزند در سیاست‌گذاری‌ها	بی‌توجهی به کیفیت فرزند در سیاست‌گذاری‌ها (۲۵)
		بی‌توجهی به کیفیت	لزوم توجه به کیفیت فرزند (۲۷)
			سیاست‌های خطرناک بدون در نظر گرفتن کیفیت فرزندآوری (۹)
پیامدها	تحول سبک زندگی: تأخیر در فرزندآوری	مضیفه فضایی	محدودیت‌های آپارتمان‌نشینی در فرزندآوری (۷)
		تغییر سبک زندگی	سبک زندگی مدرن (۷)
		تأخیر در فرزندآوری متأثر از شرایط فرهنگی	ساختارهای فرهنگی جدید و تأخیر در فرزندآوری (۱۱)
عوامل زمینه‌ای	افزایش آگاهی افراد	افزایش آگاهی افراد	افزایش آگاهی عمومی مردم (۱۴) رشد دانش و آگاهی مردمی (۱۷)
استراتژی	فرزندآوری در سایه‌ی بهزیستی فردی/اجتماعی	فرزندآوری در سایه افزایش امید به آینده در جامعه	بهبود شرایط زندگی شهروندان (۱۰) ایجاد امید در جامعه (۸)
		فرزندآوری در سایه بهزیستی روانی	لزوم دلخوشی جمعیت (۸) افزایش بهزیستی روانی (۷)
			افزایش بهزیستی ذهنی (۷)
پیامدها	سیاست‌گریزی	سیاست‌های ناکارآمد	بی‌اهمیت شدن سیاست‌گذاری‌ها (۱۳) نادیده‌گرفتن مشوق‌ها (۱۱)

۱- مشوق‌های ناکافی و بی‌ارزش

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش مشوق‌های مالی ارائه شده را با توجه به شرایط تورمی کشور و بی‌ثباتی اقتصادی ناکافی می‌دانستند و معتقد بودند که این مشوق‌ها به‌صرفه نیستند و در چنبره شرایط اقتصادی ناپایدار و تورمی جامعه کارایی حداقلی را ندارند. آنها معتقد بودند که وام‌ها و کمک هزینه‌های تشویقی بخش کوچکی از نیاز آنها را می‌تواند برطرف کند و جبران هزینه‌ی فرزند با توجه به شرایط موجود را می‌کند. علاوه بر این، ناتوانی دولت در مهار تورم، موجب می‌شود که امیدی به اثربخشی چندانی برای این‌گونه محرک‌ها و مشوق‌های مالی وجود نداشته باشد. امید^۱ ۳۹ ساله، مجرد معتقد است که:

سیاست‌های تشویق فرزندآوری، اینقدر مسخره است که اصلاً نمی‌شود بهش فکر کرد، مثل اینکه تو بخواهی یه ماشین یک میلیاردی بخری بعد بیایند بگویند ۱۰ میلیون تومنش را بهت وام میدیم. این ۱۰ تومن خیلی تاثیری نداره اینقدر تورم زیاد که تا بیاد ابلاغ بشه اجرا بشه ارزشش آنقدر پایین میاد که هیچ فایده‌ای ندارد، سرعت و قدرت تورم خیلی بیشتر از اینهاست.

۲- ابهام در سیاست‌گذاری: از تصویب تا اجرا

سیاست‌هایی که برای عامه‌ی مردم تصویب می‌شوند، می‌بایست واضح و روشن باشند تا افراد بتوانند آنها را درک کنند و از آن بهره‌مند شوند. از سوی دیگر هماهنگی بین نهادهای مختلف در راستای اجرایی شدن این سیاست‌ها ضروری است. سیاست‌های تشویقی جدید، نحوه‌ی اجرایی شدن آنها و چگونگی بهره‌مندی از آنها برای برخی از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش با ابهاماتی همراه بود، برخی از افراد در هنگام مراجعه جهت بهره‌مندی از این مشوق‌ها با ناهماهنگی بین سازمان‌ها و نهادها در اجرای این مشوق‌ها مواجه شده بودند، برای برخی ابهام در چگونگی تأمین منابع مالی برای این سیاست‌ها بود و به منابع

۱ به منظور حفظ حریم خصوصی اشخاص شرکت‌کننده در مطالعه، تمامی اسامی ذکر شده، نام غیرواقعی و مستعار است.

مالی محدود کشور برای اجرایی شدن این مشوق‌ها اشاره داشتند. آرش ۳۸ ساله دارای دو فرزند تجربه‌ی خودش را این‌طور بیان می‌کند:

گفتند وام میدیم، منم برای بچه‌ی دوم زنگ زدم گفتند نه؛ برای متولد ۹۸ را نمیدیم. الان هر جا میری، میگویند برای ما دستورش نیامده، هنوز چیزی ابلاغ نشده یا به هزار و یک دلیل شامل شما نمی‌شه.

۳- سیاست‌های موقتی و مقطعی

مقطعی بودن و یا موقت بودن سیاست‌ها و یا وجود چنین احساسی در بین پاسخگویان، نبود ضمانت اجرایی با تغییر حکومت، تمرکز بر اصلاح موقت و تصمیمات فی‌البداهه و موقت از جمله مواردی بودند که به زعم مشارکت‌کنندگان این پژوهش منجر به سیاست‌گریزی افراد در حوزه‌ی فرزندآوری می‌شوند. داریوش ۴۴ ساله متأهل و دارای یک فرزند معتقد است:

به نظرم سیاست‌گذاران به جای تمرکز بر حل ریشه‌ای این مشکل، روی شرایط موقت و کوتاه‌مدت تمرکز کرده‌اند. شرایطی که حتی نمی‌توان به آن‌ها امیدوار بود. به گونه‌ای که تصمیمات فی‌البداهه است و ممکن است با تغییر مسئول مربوطه، تعهدی بر اجرای آن در آینده وجود نداشته باشد.

۴- بی‌اعتمادی نهادی / غیرنهادی به سیاست‌گذاری دولتی

عملکرد هر جامعه‌ای به اعتماد متقابل مردم به دولت و دولت به مردم وابسته است، دولت از این جهت به اعتماد مردم نیاز دارد که از این طریق می‌تواند برنامه‌ها و سیاست‌های خود را به شکلی مطلوب به اجرا در بیاورد. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش به بی‌اعتمادی نهادی و غیرنهادی به سیاست‌گذاری‌های دولتی اشاره داشتند. در واقع این مقوله از اجماع دو مقوله نااطمینانی به سیاست‌ها، سیاست‌های شعاری بدست آمده است. از دست رفتن اعتماد، ناباوری به سیاست‌ها، فریب‌انگاری سیاست‌ها، وعده‌های پوچ و توخالی، بی‌نتیجه بودن طرح‌های پیشین، وعده‌های تحقق نیافته، سیاست‌های شعاری، باعث شده که برخی از

مشارکت‌کنندگان هر سیاستی را در این زمینه محکوم به شکست بدانند. آتوسا ۳۰ ساله مجرد در مورد می‌گوید:

این مشوق‌ها و این سیاست‌ها مثل اینکه من الان بیام به شما بگم دریا را میبینی شنا کن، در حالی که میدونم و شما میدونید که شنا بلد نیستید و قایق هم ندارید ولی بگم برو تو آب غرق نمیشی من بهت قول میدم، فرزندآوری هم الان مثل همین، من اسمش را میگذارم فریب، الان مردم آگاه شدن دیگه فریب نمی‌خورند.

۵- شرایط ناپایدار اقتصادی

شرایط اقتصادی همانطور که در پژوهش‌های پیشین نیز بیان شده است عامل تأثیرگذاری بر تصمیم افراد برای داشتن فرزند است. افراد حاضر در این پژوهش نیز لزوم ثبات اقتصادی را برای اثرگذاری سیاست‌های تشویقی الزامی می‌دانستند آنها فقدان امنیت شغلی و درآمدی، بی‌ثباتی اقتصادی و مشوق‌های بی‌کارکرد در شرایط تورمی را موانعی برای برنامه‌ریزی براساس سیاست‌های تشویقی موجود می‌دانستند.

ارسلان ۲۹ ساله مجرد معتقد است:

سیاست‌های تشویقی دولت، نه به هیچ وجه تاثیر نداره جواب نمیده شاید تاثیر عکس بگذار از اون جهت که اون چیزهایی که دولت داره برای بچه سوم و بیشتر برای بچه‌ی چهارم وعده میده منابع مالی زیادی میخواد که با توجه به شرایط کشور اصلا قابل جمع و احصا نیست. از این جهت تاثیر عکس میگذاره که فرزندآوری و یا هر چیز دیگری در ایران پیوند خورده با یک سری چیزهای سیاسی مثلا تو جامعه‌ای که شما تورم ۴۰ درصد دارید تورم فقط یک عدد نیست تورم نظام اخلاقی آدم را عوض می‌کنه، تورم اخلاقیات را زیر سوال میبره، شما وقتی نتونید معیشت مردم را به یک سطح ثابت برسونی و رضایت‌شون را از معیشت و از نظام قیمت‌گذاری بالا ببرید یا حداقل کمش نکنی تو چنین جامعه‌ای نه این سیاست‌ها که هر سیاست محکوم به شکست هست.

۶- فرزندآوری در سایه‌ی پیش‌بینی‌پذیری و رفاه اقتصادی

امروزه اقتصاد با فرزندآوری آمیخته شده است. امکان پیش‌بینی شرایط اجتماعی و اقتصادی در آینده و داشتن رفاه اقتصادی عاملی است که مشارکت‌کنندگان آنرا بر ناکارآمدی سیاست‌ها و سیاست‌گریزی خود مؤثر می‌دانستند. آنها فرزندآوری را در سایه‌ی بازسازی اقتصادی و توانمندسازی افراد امکان‌پذیر می‌دانستند. اینکه شرایط به‌گونه‌ای باشد که امکان برنامه‌ریزی برای آینده وجود داشته باشد. ناپایداری اقتصادی و اجتماعی توان برنامه‌ریزی برای آینده را از افراد و زوجین سلب کرده است، شرکت‌کنندگان در این پژوهش فرزندآوری را در پیش‌بینی‌پذیری و رفاه اقتصادی امکان‌پذیر می‌دانستند. مروراید ۴۰ ساله مجرد بر این اعتقاد است که:

درآمد افراد جامعه را بدون این در نظر بگیریم که می‌خواهد فرزند بیاره یا نه. اگر سطحی از رفاه باشد خودشون میرند اون سمت و اونموقع اگر تبلیغ هم بکنی مردم می‌بینن دغدغه مالی ندارند. اگر شخص بلداند که میتونه بعد از چند سال یه خونه بخره بدون میتونه ماشین بخره، اما الان فکر کن با حقوق پایه چهار میلیون اصلا نمیشه به این فکر کرد اگر این درآمد بشه ده تومن دوازده تومن، خیلی از دغدغه‌ها کم میشه. طرف میتونه به بچه آوردن فکر کنه. نگاه باید دیدگاه رفاهی باشه اون حل بشه فرزندآوری خودبه‌خود درست می‌شه اینکه به ثبات اقتصادی باشه که تو بتونی برنامه‌ریزی کنی، بچه میاری.

۷- سیاست‌گذارهای کمی‌گرای کیفیت‌گریز

امروزه از یک سو، تأکید بیشتر بر روی کیفیت فرزند است تا کمیت. از سوی دیگر هزینه‌های فرزند نیز افزایش یافته است و والدین به این نتیجه رسیده‌اند که برای اینکه فرزند موفق داشته باشند باید در این فضای رقابتی هزینه‌ی بیشتری برای فرزند بکنند. والدین امروزی انتظار بازگشت سرمایه‌گذاری که برای فرزند خود کرده‌اند را ندارند بلکه ترس از هزینه‌های اجتماعی و هزینه‌های مالی بر انگیزه‌ی آنها برای داشتن فرزند تأثیرگذار است.

یکی از مواردی که اکثر مشارکت‌کنندگان در ارتباط با سیاست‌ها به آن تأکید داشتند توجه بیشتر به کمیت فرزند و نادیده گرفتن کیفیت بود. آنها همچنین تمرکز بر کمیت در نبود کیفیت را برای جامعه خطرآفرین می‌دانستند. داریوش ۴۴ ساله دارای یک فرزند در این مورد معتقد است:

سیاست‌گذار در این حوزه، فقط افزایش جمعیت را به صورت کمی مد نظر قرار داده که حتی موفق شدن در این موضوع، ممکن است برای جامعه خطرناک‌تر از عدم موفقیت در آن باشد. این باروری را توی یک قشر خاص افزایش میده.

۸- تمرکز سیاست‌ها بر اقشار کمتر برخوردار

تأکید سیاست‌های تشویقی عموماً بر مشوق‌های مادی سطحی و مقطعی است، تأکید بر مسائل مادی و ارائه‌ی مشوق‌های مالی اکثراً در اقشاری ایجاد انگیزه می‌کند که به لحاظ مادی در مضیقه هستند. این تمرکز اشتباه سیاست‌گذاران باعث می‌شود فرزندآوری در اقشاری افزایش یابد که احتمالاً دارای تحصیلات پایین‌تر، و بدون شغل مناسب هستند، بنابراین از این افراد انتظار نمی‌رود که بتوانند برای رفاه و آسایش فرزند یا تحصیل فرزندان خود سرمایه‌گذاری کنند. به اعتقاد برخی از مشارکت‌کنندگان حاضر در این پژوهش، بازنمایی فرزندآوری به مثابه‌ی امری صرفاً مادی درست نیست و تنها منجر به سیاست‌گذاری برای افراد محروم می‌شود، این افراد عموماً به دلیل عدم آگاهی و عدم دسترسی به وسایل پیشگیری از بارداری، باروری بالاتری را دارند بنابراین سیاست‌ها باید به گونه‌ای باشد که در افراد با امکانات و تحصیلات بالا ایجاد انگیزه‌ی فرزندآوری کند. مهسا ۴۱ ساله متأهل معتقد است که:

سیاست‌های تشویقی؟ تاثیر داره اما تاثیرش روی اقشار کم درآمد هستش، قصد توهمین به هیچ کس را ندارم و بحشم ارزش آدم‌ها نیست، اما این واقعیت جامعه‌ی ماست، یک سری که به لحاظ مالی ضعیف هستند، این بیست میلیون و اینها را مؤثر می‌دونند و بچه میارند. اما بچه آوردن که همش مالی نیست کلی فاکتور دیگه هست، حالا این پول هم اگر بگیرند مطمئناً آنقدر مشکلات دارند که هیچپیش واسه اون بچه خرج نمیشه این وسط فقط یه بچه بیگناه بدنیا میاد که اون هم باید تو سختی و منجلاب زندگی کنه.

۹- نادیده‌انگاری شرایط جامعه

آن چیزی که در سیاست‌های افزایش فرزندآوری به چشم می‌خورد، وجود سیاست‌هایی است که عموماً جنبه‌های مادی فرزندآوری را در نظر گرفته‌اند. فارغ از اینکه همان مشوق‌های مالی تا چه حد می‌تواند کارآمد باشد یا خیر، چیزی که در این میان مغفول مانده است عدم توجه به شرایط جامعه است. این در حالی است که در دنیای امروز یکی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های افراد که منجر به کم‌فرزندی و یا بی‌فرزندی می‌شود، زندگی در جامعه‌ی پر مخاطره است. بنابراین توجه به شرایط جامعه نیز می‌بایست بیشتر در سیاست‌ها مورد توجه قرار گیرد. به بیان مشارکت‌کنندگان در این مطالعه، نادیده‌انگاری شرایط جامعه و اوضاع نابسامان جامعه منجر به عدم توفیق سیاست‌های حامی فرزندآوری می‌شود. فرهاد ۳۹ساله متأهل می‌گوید:

الان وضع جامعه را اگر در نظر بگیرید از وضع اقتصادمون هم بدتر، برید ببینید وضع اعتیاد تو دبیرستان‌ها را، تو پارک برید وضع نوجوونا را ببینید، بعد میاند میگن وام میدیم بچه بیارید. تو این جامعه‌ای که روز به روز داره بی‌ترتیب‌تر میشه، یک کم به فکر فرهنگ مردم باشید به فکر این اوضاع نابسامان جامعه بعد بگید بچه.

۱۰- فرزندآوری به مثابه‌ی یک امر خصوصی

فرزندآوری یک امر خصوصی است و تصمیم در مورد اینکه هرکس چند فرزند داشته باشد و چه موقع فرزندآوری داشته باشد برعهده خانواده‌هاست. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش فرزندآوری را به مثابه‌ی یک امر خصوصی می‌دانستند و هرگونه برخورد قهری و دستوری را با این مسئله نادرست و سیاست‌های قهری، اجباری و دستوری را ناکارآمد تلقی می‌کردند. آرمان ۲۹ ساله متأهل در این باره می‌گوید:

فرزندآوری یک امر تصادفی یا دستوری نیست که براساس تصادف با صدور یک فرمان و یا حتی یک سری مشوق‌ها در آن اتفاق قابل توجهی به وجود بیاید. مردم آرامش ذهن و معیشت داشته باشند خودشون راهشون را پیدا می‌کنند.

۱۱. تحول در سبک زندگی: تأخیر در فرزندآوری

افزایش شهرنشینی زندگی در فضاهای کوچک آپارتمانی از یک سو و از سوی دیگر سبک زندگی مدرن و ساختارهای فرهنگی جدید افراد را به سوی کم‌فرزندی و بی‌فرزندی داوطلبانه سوق می‌دهد. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش بر این باور بودند که در این فضاهای آپارتمانی امکان داشتن تعداد زیاد فرزندان وجود ندارد. به علاوه، ساختار فرهنگی و سبک زندگی امروزی داشتن فرزند زیاد را امکان‌پذیر نمی‌کند و همین امر را به عدم موفقیت سیاست‌ها مربوط می‌دانستند. آما ۲۹ ساله، متأهل بر این باور است که:

تو این دوره زمانه، همیشه بچه‌ی زیاد داشت الان از دوتا بیشتر بچه بیاری حتی مردم هم یجور دیگه بهت نگاه می‌کنند، مثل قبل نیست الان همه یکی دوتا دارند و این را درست میدونن، خونه میخوای بری اجاره کنی کسی بهت خونه نمیده چون تعداد بچه‌ها را می‌بینند. بعد با این وضعیت و خانه‌های آپارتمانی اصلا فضا نیست بخوای بچه زیاد داشته باشی.

۱۲. افزایش آگاهی افراد

افزایش تحصیلات و رشد ارتباطات از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی باعث شده که دسترسی به اطلاعات بیشتر و آگاهی و دانش افراد افزایش یابد (ملتفت، نواح و ترکی، ۱۴۰۱). برخی از مشارکت‌کنندگان افزایش آگاهی افراد را در فرزندآوری دخیل می‌دانستند و بر این باور بودند که افزایش آگاهی‌های عمومی باعث شده که در مورد فرزندآوری آگاهانه‌تر تصمیم بگیرند و نسبت به پذیرش سیاست‌ها محتاط‌تر عمل کنند. دلسا ۳۹ متأهل می‌گوید:

الان آگاهی مردم بالا رفته، با سوادتر شدن، همین‌طور به خاطر چهارتا وعده وعید و حرف دولت نمی‌آیند بچه بیارند، به همه چی بچه فکر می‌کنند برا چی بیاد؟ چه جووری میخواد بزرگ بشه؟ فقط که بدنیا آمدنش نیست بزرگ شدنش، تربیتش، سلامتیش، همه را باید در نظر گرفت.

۱۳. فرزندآوری در سایه‌ی بهزیستی فردی و اجتماعی

جامعه‌ی کنونی در حال تجربه‌ی تغییرات فرهنگی و اجتماعی است که بر رفتار باروری و تشکیل خانواده تأثیرگذار است. افراد ترجیح می‌دهند که زمانی پدر یا مادر بشوند که هم درآمد کافی برای هزینه‌های فرزند را داشته باشند و هم به لحاظ ذهنی آمادگی پذیرش چنین نقشی را داشته باشند. فرزندآوری برای پاسخ‌گویان این پژوهش در سایه‌ی امید به آینده‌ی بهتر و داشتن آسایش روانی مطلوب اتفاق می‌افتد و بهبود شرایط اجتماعی و فردی را در تصمیم برای فرزندآوری مؤثر می‌دانستند و بنابراین سیاست‌هایی از منظر آنها می‌توانند مفید باشند که بهزیستی فردی و اجتماعی را به نوعی در بر می‌گیرند. اشکان ۳۹ مجرد این‌طور بیان می‌کند که:

من اگر سیاست‌گذار بودم، در جامعه، نسبت به بهبود شرایط زندگی مردم، افزایش رفاه، ایجاد اشتغال، ایجاد محیط شاد، ایجاد امید در جامعه، بهبود شرایط اقتصادی، تعامل سازنده با دنیا، بهبود محیط‌زیست، کاهش آلودگی‌های محیطی و ... اقدام می‌کردم. تسهیل در این امور و بهبود شرایط هم باعث افزایش بهزیستی روانی مردم می‌گردد و هم با افزایش بهزیستی ذهنی، به صورت غیرمستقیم باعث افزایش جمعیت، هم به صورت کمی و هم به صورت کیفی می‌گردد.

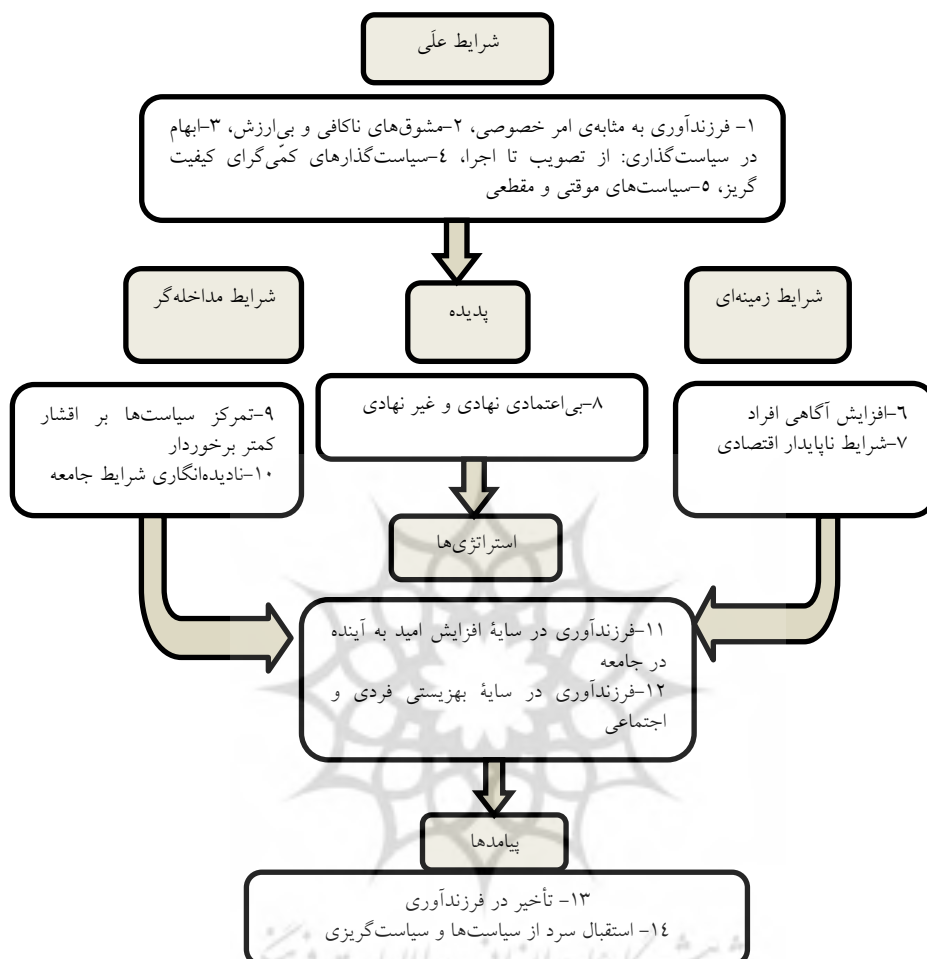
۱۴. سیاست‌های ناکارآمد

سیاست‌گذاری زمانی می‌تواند موفق عمل کند که رابطه‌ی بین سیاست‌گذار در آن حوزه‌ی مشخص و افرادی که این سیاست‌گذاری مستقیم و یا غیرمستقیم بر زندگی و امور روزمره‌ی آنها تأثیرگذار است، یک رابطه‌ی مبتنی بر خواست افراد و بر مبنای اعتماد باشد. زمانی که افراد احساس کنند که سیاست‌های موجود در حوزه‌ی فرزندآوری با ایده‌آل‌های آنها متفاوت است و یا اینکه برای آنها خیلی اقناع‌کننده نیستند، سیاست‌ها و در واقع مشوق‌ها را نادیده می‌گیرند و آنها را بی‌اهمیت می‌پندارند. شهرام ۴۱ ساله متأهل می‌گوید:

اینها بی‌فایده‌اس. کسی به این‌ها اهمیت نمیده، این مشوق‌ها و سیاست‌ها با واقعیت جامعه‌ی ما نمی‌خونه، من می‌شنوم این حرف‌ها و این تبلیغات را، اما اهمیت نمی‌دم.

مدل پارادایمی

تغییر در سیاست‌های جمعیتی و تشویق به فرزندآوری طی سال‌های اخیر بسیار مورد توجه سیاست‌گذاران کشور بوده است، سیاست‌های جمعیتی و یا فقدان چنین سیاست‌هایی، نقشی کلیدی در رفتار افراد و شکل دادن به روندهای جمعیتی دارند (May, 2012). در واقع، این افراد و خانواده‌ها هستند که پیامدهای جمعیتی آینده را می‌سازند. و این افراد هستند که در مورد فرزندآوری تصمیم‌گیری می‌کنند. این تصمیمات از عواملی نظیر سطح تحصیلات، برابری جنسیتی، فرهنگ، مذهب، فقر و نابرابری تأثیر می‌پذیرند (Abbasi-Shavazi, Hosseini-Chavoshi, & McDonald 2009). و تأثیرگذاری سیاست‌ها منوط به پذیرش آنها از جانب مردم است. در این پژوهش افراد فرزندآوری را خصوصی تلقی کرده و فرزندآوری به مثابه‌ی امر خصوصی فرزندآوری را از شرایط علی بی‌اعتمادی نهادی و غیرنهادی می‌دانستند. همچنین، مشوق‌های ناکافی و بی‌ارزش، ابهام در سیاست‌گذاری؛ از تصویب تا اجرا، سیاست‌گذاری‌های کمی‌گرای کیفیت‌گریز، سیاست‌های مقطعی و موقتی را نیز از جمله شرایط علی بی‌اعتمادی نهادی و غیرنهادی می‌دانستند. افزایش آگاهی افراد و شرایط ناپایدار اقتصادی شرایط زمینه‌ای و فقدان رفاه آموزشی و تمرکز سیاست‌ها بر اقشار کمتر برخوردار و همچنین نادیده‌انگاری شرایط جامعه از جمله شرایط مداخله‌گر برای پدیده‌ی بی‌اعتمادی نهادی و غیرنهادی بوده‌اند. مردم در رویارویی با این پدیده دو استراتژی فرزندآوری در سایه‌ی پیش‌بینی‌پذیری و رفاه اقتصادی و فرزندآوری در سایه‌ی بهزیستی فردی و اجتماعی را برمی‌گزینند به این معنا که آنها در صورتی به سیاست‌ها باور پیدا کرده و فرزندآوری (یا فرزندآوری بیشتر) را انجام می‌دهند که چشم‌انداز مطلوب اقتصادی نسبت به آینده داشته باشند و رفاه و بهزیستی فردی و اجتماعی مد نظر آنها تأمین باشد و یا اینکه امید به فراهم شدن این شرایط را داشته باشند. پیامد چنین بی‌اعتمادی نسبت به سیاست‌ها و مشوق‌ها، تأخیر در فرزندآوری و در نتیجه ناکارآمدی یا کارآیی اندک آنها در حوزه‌ی فرزندآوری است.



شکل ۱: مدل پارادایمی پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

ویکس (۲۰۰۸) سیاست جمعیتی را همچون نوعی راهبرد جهت دستیابی به الگوی خاصی از دگرگونی‌ها تعریف کرده است. از دید وی سیاست جمعیتی ممکن است تنها از یک بخش مشخص تشکیل شده باشد و انگیزه واحد مشخصی همچون کاهش نرخ باروری به

سطح جانشینی را دنبال کند و یا چندوجهی بوده و دگرگونی‌های متعددی را در نظر داشته باشد. ویکس سیاست‌های جمعیتی را به دو رویکرد مستقیم و غیرمستقیم، تقسیم نموده و درباره تمایز این دو رویکرد عنوان می‌کند که سیاست‌های جمعیتی مستقیم، به صورتی روشن به منظور دگرگونی یک رفتار جمعیتی خاص (همچون کاهش زادوولد) ساماندهی می‌شوند؛ حال آنکه سیاست‌های جمعیتی غیرمستقیم الزاماً با هدف دگرگونی جمعیت طراحی نشده‌اند و تنها از راه دگرگون کردن جنبه‌های دیگری از شرایط زندگی و رفتار مردم روی رفتار جمعیتی آنان تأثیر می‌گذارند (برای نمونه، تشویق برای بالا بردن سطح تحصیلات زنان که به طور غیرمستقیم به کاهش فرزندآوری زنان می‌انجامد).

در این مطالعه با هدف ارزیابی شهروندان از سیاست‌های افزایش فرزندآوری، فرآیند شکل‌گیری رفتار باروری افراد در پاسخ به سیاست‌های تشویقی فرزندآوری مورد بررسی قرار گرفت و در همین راستا ۱۴ مقوله‌ی اصلی شناسایی شد. و مقوله‌ی هسته " نارسایی مشوق‌ها در ایجاد انگیزه فرزندآوری " از دل مقولات فرعی و اصلی بدست آمده از مصاحبه با مشارکت کنندگان در پژوهش حاصل شد.

افراد در این مطالعه امر فرزندآوری را امری خصوصی تلقی کرده و مداخله‌ی دولت را در این امر غیرضروری می‌دانستند، آنها هرگونه برخورد قهری و دستوری را با مسئله‌ی فرزندآوری ناکارآمد می‌دانستند. همان‌طور که از مقولات مشخص است یکی از عواملی که منجر به عدم اعتماد به سیاست‌ها و مشوق‌های دولتی در بین پاسخگویان بوده است، ناکافی و بی‌ارزش بودن مشوق‌هاست. در مطالعه‌ی پانل، لوسی پرنولیچ و تئونون^۱ (۲۰۱۳)، نشان دادند که سخاوت سیاست‌های حمایت از خانواده - مانند مرخصی باحقوق والدین، خدمات مراقبت از کودک و نقل و انتقالات مالی - ارتباط مثبتی با باروری در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۲ (OECD) دارد. از سویی دیگر شرایط ناپایدار اقتصادی از عوامل زمینه‌ساز این بی‌اعتمادی نسبت به سیاست‌هاست. در مطالعه‌ی عباسی‌شوازی و همکاران (۱۳۹۹)، عامل ناامنی اقتصادی به‌عنوان عاملی تأثیرگذار بر

1 Luci-Greulich and Thévenon

2 Organization for Economic Co-operation and Development

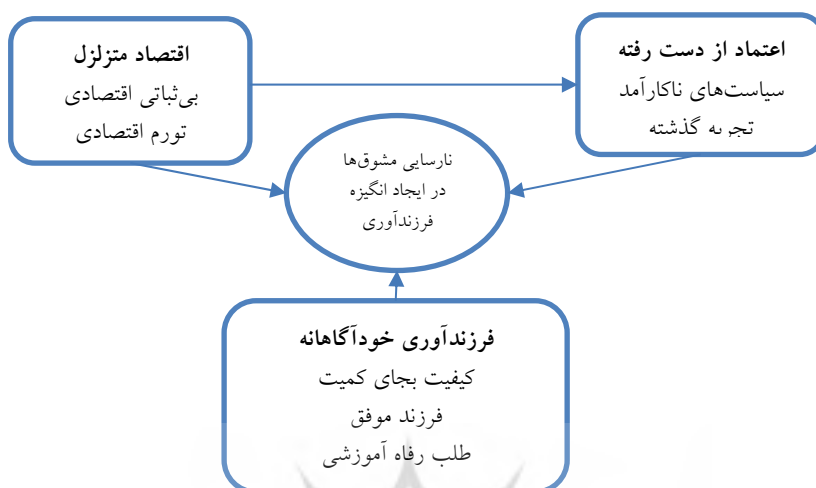
تصمیم به فرزندآوری بررسی شده است. کوهلر و همکاران (۲۰۰۱)، عدم قطعیت و بی‌ثباتی در کار و روابط اجتماعی را در تأخیر فرزندآوری مؤثر می‌دانند. بنابر این نتایج، مادامی که افراد احساس امنیت اقتصادی را نداشته باشند، و مشوق‌های مالی دولت را کافی و وافی ندانند، فرزندآوری خود را به تأخیر می‌اندازند و یا تعداد کمتری فرزند را بدنی می‌آورند. افراد فرزندآوری را در سایه‌ی پیش‌بینی‌پذیری و رفاه اقتصادی و بهزیستی فردی و اجتماعی امکان‌پذیر می‌دانستند.

براساس نظریه‌ی ریسک‌گریزی، مردمی که آینده‌ی خود را تحت مضیقه‌ی اقتصادی، اجتماعی و شخصی بدانند، برای پیشگیری از این خطر تصمیم می‌گیرند فرزند نداشته باشند و یا فرزند کمتری داشته باشند. بنابراین افراد در پاسخ به فقدان حمایت‌های اجتماعی تصمیم به داشتن فرزند کمتر می‌گیرند. براساس نظریه‌ی بیکر (۱۹۹۱) رفتار باروری خانواده‌ها از رفتار اقتصادی آنها تأثیر می‌پذیرد و نه از توصیه‌های سیاستی. همانطور که خانواده‌ها برای انتخاب یک کالا تصمیمات مالی می‌گیرند، آنها همچنین ترجیحات، علائق و درآمد خود و به‌طور کلی هزینه‌های مرتبط با فرزند را نیز در نظر می‌گیرند و براساس هزینه و درآمد تصمیم به داشتن فرزند می‌گیرند (Mirzaei et al. 2022).

پاسخگویان در این پژوهش ابهام در سیاست‌های تشویقی از زمان تصویب تا اجرا را از عوامل عدم اعتماد به سیاست‌ها و مشوق‌ها می‌دانستند، واضح و روشن نبودن ماهیت سیاست‌ها و نحوه‌ی بهره‌مندی از آنها، همچنین نداشتن دیدی روشن در مورد نحوه‌ی اجرایی شدن آنها با توجه به وضعیت اقتصادی کشور یکی دیگر از دلایل افراد برای عدم اعتماد به سیاست‌ها بوده است. به باور مک‌دونالد (۲۰۰۶)، اساس سیاست‌های عمومی، تغییرات نهادی است که اعتماد جوانان را بدست آورد و آنها را قادر به تشکیل زندگی با سطح قابل‌تحملی از زیان اقتصادی و تأثیرات قابل‌قبولی از خواست‌های فردی کند. همچنین موقتی و مقطعی بودن سیاست‌های تشویقی از منظر مشارکت‌کنندگان این پژوهش عامل دیگری است که منجر به ناکارآمدی سیاست‌ها می‌شود. نگرانی از تغییر این سیاست‌ها با تغییر دولت و همچنین تجربه‌ی عدم موفقیت در بهرماندی از مشوق‌ها در سال‌های گذشته باعث شده تا افراد نتوانند به مشوق‌ها و سیاست‌های جدید و به اجرایی شدن آنها باور و اعتماد داشته باشند.

افزایش آگاهی‌های فردی و اجتماعی افراد تحت تأثیر مدرنیزاسیون و افزایش تحصیلات به‌ویژه تحصیلات زنان است. متخصصان نظریه‌ی هسته- پیرامون عمدتاً بر این تأکید دارند که رفتار جمعیت‌شناختی، بخصوص رفتار فردی باروری بازتاب‌کننده‌ی وضعیت اجتماعی- اقتصادی و نیازهای آنها است. به گفته والرش‌تاین (۲۰۱۱)، اگر نیازهای مادی و فرهنگی اصلاح شود، رفتار باروری تغییر خواهد کرد. شاید به همین دلیل است که بر تأثیر آموزش رسمی (آموزش) و غیررسمی تأکید کرده‌اند آموزش (از طریق سازمان‌های گروه جوانان، رادیو و تلویزیون) که می‌تواند نیازهای مردم را ایجاد و تغییر دهد. آنها معتقدند مردم الگوی باروری را انتخاب می‌کنند که متناسب با نیازهایشان باشد (Mirzaei, Vaez, & Talebian 2022) عباسی‌شوازی و همکاران (۲۰۰۹) بیان کرده‌اند که به‌تعمیق انداختن والدینی به زوجین اجازه می‌دهد تا زمان بیشتری برای ایجاد یک زمینه‌ی اقتصادی برای شروع زندگی داشته باشند، آنها تحصیلات خود را به اتمام می‌رسانند، شغل پیدا می‌کنند و مکانی برای زندگی مهیا می‌کنند. هر کدام از این اهداف بیشتر خواسته‌ی افراد طبقات بالا و افراد تحصیل‌کرده است و زمانبر می‌باشد.

نادیده‌انگاری شرایط جامعه نیز مقوله‌ای بود که مشارکت‌کنندگان بر آن اذعان داشتند. مشوق‌هایی که صرفاً جنبه‌ی مادی دارد و وضعیت اجتماع در سیاست‌ها دیده نشده است دغدغه‌ی این دسته از مشارکت‌کنندگان بود. در مقاله‌ی پریچت (۱۹۹۴)، این نتایج بدست آمد که تغییر در شرایط اقتصادی و اجتماعی عامل مهمی در کاهش باروری در کشورهای در حال توسعه بوده و تأثیر برنامه‌های تنظیم خانواده، بر باروری به لحاظ کمی، اندک بوده است. حسین و دوتا^۱ (۲۰۱۶) چالش‌های موجود در یک جامعه را عامل مهمی در تمایل به محدود کردن فرزندآوری می‌دانند. همچنین جهانگیری و همکاران (۱۳۹۵)، بر نقش وضعیت جامعه در تمایل به کم‌فرزندی اشاره داشته‌اند.



شکل ۲: طرحواره نظری پژوهش

مشارکت‌کنندگان در این مطالعه، سیاست‌های تشویقی را صرفاً اقتصادی می‌دانستند و از این جهت بر این باور بودند که این سیاست‌ها تنها اقشار کم‌تر برخوردار را تحت تأثیر قرار می‌دهند و در آن اقشار برای فرزندآوری ایجاد انگیزه می‌کنند. تفاوت‌های طبقاتی در پاسخ‌های سیاستی در مطالعات مربوط به تأثیرات سیاست بر میزان باروری، زیاد مورد توجه قرار نگرفته است (Gauthier 2007). اما در بلژیک مطالعه‌ای انجام شده است که نشان داده اقداماتی نظیر مراقبت از کودکان و مرخصی والدین بر حسب پیشینه‌ی اقتصادی اجتماعی نمی‌تواند خنثی باشد. استفاده از مراقبت‌های رسمی کودکان در بین خانواده‌هایی که در انتهای پایین‌ترین مقیاس توزیع درآمد هستند، بسیار کمتر است و زنان دارای تحصیلات عالی نیز در جمعیتی که از مرخصی (والدین) استفاده می‌کنند بیش از حد حضور دارند (Wood and Neels 2017).

سیاست‌های موجود از نظر پاسخ‌گویان این مطالعه، کمی‌گرا و کیفیت‌گریز هستند از این جهت که به کیفیت فرزند اهمیت می‌دهند و سیاست‌ها داده نشده و تنها کمیت مورد توجه است. امروزه بحث آموزش و کیفیت آموزش یکی از مطالبات اساسی خانواده‌های ایرانی است. فقدان رفاه آموزشی مقوله‌ای است که افراد آن را یکی از عوامل تردید در فرزندآوری

می‌دانستند. از آنجائی که پدر و مادرهای بالقوه و بالفعل کنونی اکثراً باسواد بوده^۱ و به گواهی مصاحبه‌های صورت گرفته ترجیح می‌دادند که به جای اینکه تعداد زیادی فرزند داشته باشند، یک یا دو فرزند داشته باشند اما فرزندى موفق، بحث آموزش هزینه‌های آموزش و کیفیت آن را بسیار اساسی می‌دانستند. سیاست‌های حامی افزایش جمعیت، برای دولت بسیار هزینه‌بر هستند، و بسته به زمینه، چنین سیاست‌هایی احتمالاً هنجارها و ارزش‌های اجتماعی موجود را نیز برهم می‌زند و پیامدهای بالقوه عمده‌ای بر روابط اقتصادی به‌ویژه شرایط و هزینه‌های اشتغال خواهند داشت. اینها موانعی هستند که باعث می‌شوند دولت‌ها در عمل گند پیش بروند نکته‌ای که در راستای کارآمدی این سیاست‌ها می‌تواند مؤثر باشد ایجاد اعتماد نسبت به دولت در افراد جامعه است. زیرا اعتماد جزء لاینفک عملکرد هر جامعه‌ای است. اعتماد مردم به دولت و دولت به مردم باعث پیشرفت اجتماعی و اقتصادی و منجر به همبستگی بیشتر در هر کشوری می‌شود. دولت نیز به اعتماد مردم نیاز دارد تا بتواند برنامه‌ها و سیاست‌های خود را به نحو مطلوبی به اجرا دریاورد.

همان‌طور که در طرحواره‌ی نظری مشخص است اقتصاد متزلزل متأثر از تورم لجام گسیخته و بی‌ثباتی اقتصادی، از یک سو منجر به بی‌اعتمادی به دولت می‌شود و از سوی دیگر باعث استقبال سرد از سیاست‌ها می‌شود. تغییرات سبک زندگی و افزایش تحصیلات و آگاهی افراد به‌ویژه زنان منجر به فرزندآوری آگاهانه شده است، مطالبه‌ی رفاه آموزشی از یک سو تحت تأثیر این خودآگاهی است و از سوی دیگر تمایل والدین به داشتن فرزند موفق و ترجیح کیفیت به جای کمیت فرزند. بی‌اعتمادی افراد نسبت به سیاست‌ها و مشوق‌ها ریشه در تجربه‌ی تاریخی افراد دارد و تجربه‌ای که از محقق نشدن وعده‌ها در ذهن دارند و همچنین ناکارآمدی سیاست‌ها. افراد به نوعی سیاست‌زده و یا گریزان از سیاست‌هایی می‌شوند که از نظر آنها رفاه را نه در سطح فردی نه اقتصادی و نه اجتماعی در نظر نگرفته است. آنچه مسلم است این است که خانواده‌های ایرانی با توجه به فرهنگ ایرانی و اسلامی غالب عمده‌تاً تمایل به داشتن فرزند دارند، اما آنچه آنها را به کم‌فرزندى

۱ به‌طور متوسط برای گروه سنی ۲۵ تا ۴۴ سال که گروه‌های عمده فرزندآوری هستند، نسبت باسوادى معادل ۹۲ درصد است (مرکز آمار ایران ۱۳۹۵)

سوق می‌دهد، مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. بدون شک شناخت صحیح، دقیق و عمیق از ویژگی‌ها و تحولات جمعیت به برنامه‌ریزی و سیاست‌های منطقی، معقول و کارآمد منجر خواهد شد. دولت با برنامه‌ریزی صحیح در جهت جلب اعتماد افراد و توجه بیشتر به شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌تواند خانواده‌ها را با سیاست‌های خود همسو کند.

تقدیر و تشکر

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول در رشته جمعیت‌شناسی در دانشگاه یزد است که با بهره‌مندی از فرصت مطالعاتی مقطع دکتری در دانشگاه تهران نگاشته شده است. بدینوسیله از مساعدت دانشکده علوم اجتماعی و گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران قدردانی و سپاسگزاری می‌شود. نویسندگان مقاله همچنین از همراهی و همکاری صبورانه مشارکت‌کنندگان در پژوهش سپاسگزاری می‌نمایند.

منابع

- آقایی‌هیر، توکل و فرخی نگارستان، مینا و لطیفی‌مجزه، سیده صدیقه (۱۳۹۵) "فرزندآوری به مثابه‌ی مخاطره (مطالعه کیفی زمینه‌های کم‌فرزندگی در شهر تبریز)". *مطالعات راهبردی زنان* ۷۳: ۷-۳۳.
- افراسیابی، حسین و مداحی، جواد. (۱۳۹۵). بازتابی و تبیین نقش اوقات فراغت در اعتیاد به سیگار در میان دانشجویان. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی* ۸(۲۶): ۱۷۸-۲۱۶.
- امیراحمدی، هوشنگ، نیک‌پور، فریدون (۱۳۶۹)، رشد جمعیت و توسعه اقتصادی و اجتماعی در ایران، *اقتصاد (اطلاعات سیاسی - اقتصادی)*، ۴۰: ۴۷-۵۷.
- جهانگیری، جهانگیر، احمدی، حبیب، طبعی، منصور، و ملتفت، حسین (۱۳۹۳) *برساخت فهم زنان تک‌فرزند از چالش‌های فرزندآوری (مشارکت‌کنندگان: زنان تک‌فرزند شهر اهواز). توسعه اجتماعی*، ۹(۱)، ۸۵-۱۱۰.
- خلج‌آبادی فراهانی، فریده و سرایی، حسن (۱۳۹۵). "واکاوی شرایط زمینه‌ساز قصد و رفتار تک‌فرزندی در تهران". *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۸(۷۱)، ۲۹-۵۸.

خلیج‌آبادی‌فراهانی، فریده، سرایی، حسن. (۱۳۹۱) قصد تک‌فرزندی و تعیین‌کننده‌های آن در زنان و مردان دارای یک فرزند کمتر از ۵ سال، ساکن تهران، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، (۱۳)۷، ۲۹۱-۲۵۶.

خلیج‌آبادی‌فراهانی، فریده؛ کیانی علی‌آبادی، فاطمه. (۱۳۹۷). بازاندیشی در معنای فرزند و دلالت‌های آن در زندگی: رهیافت کیفی در زنان متأهل بی‌فرزند ساکن شهر تهران. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*. ۱۳(۲۵): ۱۰۶-۶۷.

عباسی‌شوازی، محمد جلال، مکدونالد پیتر، حسینی چاوشی، میمنت، کاوه فیروز، زینب، (۱۳۸۱). بررسی دیدگاه زنان در مورد رفتارهای باروری در استان یزد با استفاده از روش‌های کیفی. *نامه علوم اجتماعی*، ۲۰(۱۰)، ۱۶۹-۲۰۳.

عباسی‌شوازی، محمد جلال، حسینی چاوشی، میمنت، (۱۳۹۱). تحولات و سیاست‌های اخیر جمعیتی در ایران: ضرورت تدوین سند جامع. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران* ۷(۱۳)، ۱۱۷-۹۵.
عباسی‌شوازی، محمد جلال؛ حسینی چاوشی، میمنت؛ بنی‌هاشمی، فریبا؛ فتحی، الهام؛ میرزایی، صفیه؛ و همکاران (۱۳۹۹). تحولات باروری در ایران از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۵. تهران: پژوهشکده آمار. فتحی، الهام، (۱۳۹۹). روند باروری ایران از سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹. تهران: مرکز آمار ایران، دسترسی آنلاین (۱۳) اردیبهشت (۱۴۰۱) از: <https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1400/fertility.fathi2.pdf>

فروتن، یعقوب و بیژنی، حمیدرضا. (۱۳۹۹). تک‌فرزندی و تعیین‌کننده‌های آن در ایران. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، (۲۹)۱۵، ۲۶۵-۲۹۱.

فروتن، یعقوب و کرمی، فرشاد. (۱۳۹۵). الگوها و تعیین‌کننده‌های تمایلات فرزندآوری در ایران. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*. ۱۱(۲۲)، ۱۰۱-۷۲.

فلیک، اووه (۱۳۹۴). *درآمدی بر تحقیق کیفی* (برگردان هادی جلیلی)، تهران: نشر نی.

کاظمی‌پور، شهلا؛ سلطانی‌چم‌حیدری، زهرا، (۱۳۹۱). نگاهی به مسئله باروری زیر نرخ جانشینی و سیاست‌گذاری‌های موثر در مواجهه با آن، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، (۱۴)۷، ۵۹-۲۹.

محمدپور، احمد (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضدروش: (مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی)*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

مدیری، فاطمه؛ تنها، فاطمه؛ گیلانی، نرجس (۱۴۰۰). تعیین‌کننده‌های اقتصادی-اجتماعی قصد و رفتار فرزندآوری در مردان شهر تهران. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*. ۱۰(۴)، ۱۱۴۷-۱۱۲۳.

مرکز آمار ایران (۱۴۰۰) محاسبه باروری کل با روش مستقیم با منابع مختلف داده به تفکیک استان ۱۳۹۵-۹۹. دسترسی آنلاین (۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۱) از:

<https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1400/barvari.pdf>

ملتفت، حسین؛ نواح؛ عبدالرضا؛ ترکی، زهرا (۱۴۰۱). تاثیر مصرف رسانه‌ای بر رفتار باروری زنان همسر دار شهر اهواز. *تداوم و تغییر اجتماعی*، ۱(زیرچاپ).

نیومن، ویلیام لارنس (۱۳۹۰). *روش‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کمی و کیفی* (برگردان ابوالحسن فقیهی و عسل آغاز)، تهران: ترمه.

Abbasi-Shavazi, M. J., Hosseini-Chavoshi, M., & McDonald, P. (2007). The path to below-replacement fertility in the Islamic Republic of Iran. *Asia-Pacific Population Journal*, 22(2), 91-112. <https://doi.org/10.18356/1d5d44c7-en>

Abbasi-Shavazi, M. J., McDonald, P., & Hosseini-Chavoshi, M. (2009). *The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction*, Springer

Abbasi-Shavazi, M. J., Philip Morgan, S., Hossein-Chavoshi, M., & McDonald, P. (2009). Family change and continuity in Iran: Birth control use before first pregnancy. *Journal of Marriage and Family*, 71(5), 1309-1324. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2009.00670.x>

Abbasi-Shavazi, M.J., & McDonald, P. (2006). Fertility decline in the Islamic Republic of Iran: 1972-2000. *Asian Population Studies*, 2(3), 217-237. <https://doi.org/10.1080/17441730601073789>

Adjei, N. K., & Billingsley, S. (2017). Childbearing behavior before and after the 1994 population policies in Ghana. *Population Research and Policy Review*, 36(2), 251-271. <https://doi.org/10.1007/s11113-017-9426-4>

Aghajanian, A. and Mehryar, A. (1999) Fertility Transition in the Islamic Republic of Iran: 1976-1996. *Asia-Pacific Population Journal*, 14, 21-42.

Ahmed, S., & Fielding, D. (2019). Changes in maternity leave coverage: Implications for fertility, labor force participation and child mortality. *Social Science & Medicine*, 241, 112573. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2019.112573>

Becker, G. (1991). *A Treatise on the Family*, Enlarged Edition, Harvard University Press, Cambridge.

Bradshaw, J. and Finch, N. (2006) Can Policy Influence Fertility? In Emanuel, H. (ed), *Ageing and the Labour market: Issues and Solutions*, International Studies in Social Security – Volume 12, Antwerp: Intersentia/FISS, (pp: 151-168).

- Demeny, P. (1997). Replacement-Level Fertility: The Implausible Endpoint of the Demographic Transition. In G.W. Jones, R.M. Douglas, J.C. Caldwell, & R.M. D'souza (Eds.), *The Continuing Demographic Transition*. Oxford: Claredon Press.
- Demeny, P. (2003). Population policy dilemmas in Europe at the dawn of the twenty-first century. *Population and Development Review*, 29(1), 1-28.
<https://doi.org/10.1111/j.1728-4457.2003.00001.x>
- Demeny, P. (2011). Population policy and the demographic transition: performance, prospects, and options. *Population and Development Review*, 37, 249-274.
<https://doi.org/10.1111/j.1728-4457.2011.00386.x>
- Gauthier, A. H. (2007). The impact of family policies on fertility in industrialized countries: a review of the literature. *Population Research and Policy Review*, 26(3), 323-346. <https://doi.org/10.1007/s11113-007-9033-x>
- Husain, Z., & Dutta, M. (2016). *Fertility Control in a Risk Society: Analyzing Contraception Choice of Urban Elites in India*. Springer.
- Kohler, H. P., Ortega, J. A., Billari, F. C. (2001). "Towards a theory of lowest-low fertility," MPIDR Working Papers WP-2001-032, Max Planck Institute for Demographic Research, Rostock, Germany. <https://doi.org/10.4054/MPIDR-WP-2001-032>
- Ladier-Fouladi, M. (2021). "The Islamic Republic of Iran's New Population Policy and Recent Changes in Fertility." *Iranian Studies*, 54: 5-6, 907-30,
<https://doi.org/10.1080/00210862.2021.1884970>
- Lesthaeghe, R., & Moors, G. (1995). Is there a new conservatism that will bring back the old family? Ideational trends and the stages of family formation in Germany, France, Belgium and the Netherlands. In *Evolution or Revolution in European Population*; European Population Conference, Milano, 4-8 Sept., 1995. (pp. 225-266). Franco Agnelli Publishers.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic Inquiry*. Sage Publication.
- Luci-Greulich, A., & Thévenon, O. (2013). The impact of family policies on fertility trends in developed countries. *European Journal of Population*, 29(4), 387-416.
<https://doi.org/10.1007/s10680-013-9295-4>
- May, J. F. (2012). *World Population Policies: Their Origin, Evolution, and Impact*. Springer.
- McDonald, P. (2000). Low fertility in Australia: evidence, causes and policy responses. *People and Place*, 8(2), 6-21. <https://doi.org/10.4225/03/590bd3a603393>
- McDonald, P. (2001). Work-family policies are the right approach to the prevention of very low fertility. *People and Place*, 9(3), 17-27.
<https://doi.org/10.4225/03/590aa60e8aafb>
- McDonald, P. (2006). Low Fertility and the State: The Efficacy of Policy. *Population and Development Review*, 32(3), 485-510. <https://doi.org/10.1111/j.1728-4457.2006.00134.x>

- Mirzaei, P., Vaez, N., & Talebian, M. H. (2022). Challenges of Population Policies on Childbearing and Reproductive Health After the Islamic Revolution of Iran. *Journal of Health Sciences & Surveillance System*, 10(1), 19-27.
<https://doi.org/10.30476/jhsss.2021.89161.1161>
- Mirzaie, M. (2005). Swings in fertility limitations in Iran. *Critique: Critical Middle Eastern Studies*, 14(1), 25-33. <https://doi.org/10.1080/10669920500056973>
- Morgan, S. P., & Hagemen, K. (2005). Is very low fertility inevitable in America? Insights and Forecasts from an Integrative Model of Fertility, In Booth, A. & Crouter, A. C. (Eds.) *The New Population Problem: Why Families in Developed Countries Are Shrinking and What It Means?*, (pp. 3-28). Mahwah, N.J.: Lawrence Erlbaum Associates.
- Pritchett, L., (1994). "Desired fertility and the impact of population policies," Policy Research Working Paper Series 1273, The World Bank.
- Quesnel-Vallée, A., & Morgan, S. P. (2003). Missing the target? Correspondence of fertility intentions and behavior in the US. *Population Research and Policy Review*, 22(5), 497-525. <https://doi.org/10.1023/B:POPU.0000021074.33415.c1>
- Razeghi-Nasrabad, H. and Abbasi-Shavazi, M.J. (2020). "Ideal Fertility in Iran: A Systematic Review and Meta-analysis." *International Journal of Women's Health and Reproduction Sciences*, 8(1): 10–18. <http://doi.org/10.15296/ijwhr.2020.02>
- Razeghi-Nasrabad, H. B., & Alimondegari, M. (2019). Gender Preference and its Influence on Fertility Intention in the low-Fertility Context of Tehran, Iran. *Journal of Midwifery and Reproductive Health*, 7(4), 1972-1980.
<https://doi.org/10.22038/jmrh.2019.38096.1422>
- Roudi-Fahimi, F. (2002). Iran's family planning program: responding to a nation's needs: Population Reference Bureau Washington, DC.
- Schoen, R., Astone, N. M., Kim, Y. J., Nathanson, C. A., & Fields, J. M. (1999). Do fertility intentions affect fertility behavior? *Journal of Marriage and the Family*, 790-799. <https://doi.org/10.2307/353578>
- Schoen, R., Kim, Y. J., Nathanson, C. A., Fields, J., & Astone, N. M. (1997). Why Do Americans Want Children? *Population and Development Review*, 23(2), 333–358. <https://doi.org/10.2307/2137548>
- van de Kaa, D.J. (1997). Options and sequences: Europe's demographic patterns. *Journal of Population Research* 14(1), 1–29 (1997). <https://doi.org/10.1007/BF03029484>
- Wallerstein, I. (2011). *The Modern World-System III: The Second Era of Great Expansion of the Capitalist World-Economy, 1730s–1840s.*, University of California Press.
- Weeks, J. (2008). *Population: An Introduction to Concepts and Issues*. Tenth edition. Belmont CA: Wadsworth, Thomson Higher Education
- Wood, J., & Neels, K. (2017). First a Job, Then a Child? Subgroup Variation in Women's Employment-Fertility Link. *Advances in Life Course Research*, 33(C), 38-52.
<http://doi.org/10.1016%2Fj.alcr.2016.09.003>